

اسدالله بادامچیان از نافرمانی موسوی در برابر فرمان امام ^(د) می‌گوید

نامه امام منتشر می‌شد، میرحسین نه دنیا داشت نه آخرت

<div><div>◆</div><div>در شماره پیشین، بخش نخست گفت‌وگو با اسدالله بادامچیان از نظر تان گذشت.در بخش دوم و یابانی گفت‌وگو با عضو ارشد حزب مؤتلفه اسلامی، برخی رفتارهای عجیب میرحسین موسوی در دوران نخست‌وزیری را با هم مرور می‌کنیم.</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

بخش دوم و پایانی ■ **پس آقای موسوی از یک پروسه دمokratیک بالا نیامد بلکه براساس یک**

سیر دیکتاتورمانیانه به مردم تحمیل شد.

بله! این آقا بر اساس فشار سیاسی بالا آمد. اگر آقای موسوی واقعا ولایت‌پذیر بود، می‌دانست که امام(ره) فرموده‌اند نخست‌وزیر را رئیس‌جمهور باید خودش انتخاب کند، اگر این‌ فرد، قانون اساسی را هم قبول داشت نباید فشارهای سیاسی را در آن دوران سخت که جنگ بر کشورمان تحمیل شده بود، انقدر زیاد می‌کرد که نخست‌وزیر بماند.

در مجلس هم دار و دسته موسوی به دروغ گفتند، این ۹۹ نفری که رای مثبت ندادند، مخالف نظر امام(ره) عمل کردند. تعدادی از نمایندگان نامهای برای امام(ره) فرستاده و گفته بودند ما مصلحت را بر نخست‌وزیری آقای موسوی می‌بینیم، آقای رضایی هم رفته بود خدمت امام و گفته بود اگر آقای موسوی نخست‌وزیر نشود در جهه اثرات منفی دارد و عبارتی را آنجا به کار می‌برد که بهتر است خودش آن را بگوید. آقای موسوی هم همراه دوستانش در حال فعالیت برای تدارک فشارهای سیاسی بود. امام(ره) هم به مرحوم سیدفخرالدین حجازی فرموده بودند، من مصلحت نمی‌دانم آقای موسوی نخست‌وزیر نشود ولی نمایندگان مجلس باید به وظایف شرعی خود عمل کنند. اینجا اختلاف شد چون نمایندگان اگر می‌خواستند به وظیفه شرعی خودش‌ان عمل کنند باید به میرحسین رای نمی‌دادند چون می‌دانستند با رئیس‌جمهور تناقض آرا دارد و همچنین می‌دانستند که آقا (رئیس‌جمهور) فهرست ۶۰۰ مورد تخلف قانون اساسی آقای موسوی در دوران نخست‌وزیری دوره اول را که آقا به او تذکر دادند و او اعتنا نکرده به مجلس داده‌اند. بنابراین دو نظر پیش آمد؛ یک عده در مجلس گفتند: نظر امام این است که مصلحتا آقای موسوی نخست‌وزیر شود بنابراین ما باید رای بدهیم منتها امام نمی‌خواهند مطلبی را به مجلس تحمیل کنند و می‌فرمایند: شما به وظیفه خودتان عمل کنید، یک عده گفتند، خیر، امام (ره) مایل است نظر رئیس‌جمهور اعمال شود و میرحسین رای نیاورد منتها نمی‌خواهند مردم فکر کنند آقا معرفی نکرده بلکه آقا معرفی کند و مجلس به وظیفه شرعی خود عمل کند و رای ندهد. در اینجا قرار شد از امام سوال شود، ۴ نفر از بزرگان (آیت‌الله جنتی از شورای نگهبان، آیت‌الله یزدی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، آقای ناطق نوری از فراکسیون داخلی مجلس و آیت‌الله مهدوی کنی) قرار شد با حضرت اسام حرف بزنند و تکلیف شرعی نمایندگان را مشخص کنند. این بزرگان خدمت امام (ره) رسیدند و امام فرموده بودند، من نظرم را همین جور می‌گویم و مصلحت نمی‌دانم آقای موسوی نخست‌وزیر نشود اما می‌گویم نمایندگان مجلس باید به وظیفه شرعی خودش‌ان عمل کنند. آیت‌الله مهدوی کنی و دیگر آقایان عرض کرده بودند: «امام است! نمایندگان می‌خواهند تکلیف شرعی خودش‌ان را بدانند. این فرمایش شما نمایندگان را دچار تناقض کرده چون اگر نمایندگان بخواهند به وظیفه شرعی خودش‌ان عمل کنند نباید به موسوی رای بدهند و اگر بخواهند به مصلحت ولی امر مسلمین عمل کنند باید رای بدهند، شما تکلیف را روشن کنید». امام فرمودند: تکلیف همین است که می‌گویم. به جلسه‌ای که در مجلس با حضور آیت‌الله محمد یزدی برگزار شد نظر امام به همه ابلاغ شد؛ در نتیجه در مجلس ۲ گروه شدند؛ نخستین گروه که ۹۹ نفر بودند، به میرحسین رای ندادند و گروه دوم رای دادند. در این بین علیه ۹۹ نفر جوسازی شد که اینها مخالف نظر امام عمل کردند، هادی غفاری راه افتاد و رفت کاشان و علیه دفتر حزب جمهوری اسلامی در کاشان مردم را تحریک کرد و می‌خواست آشوب راه بیندازد و بازارها را ببندد و قرار بود بازار را به حمایت از امام (!) تعطیل کند، مرحوم آیت‌الله طبرسی، امام جمعه کاشان از دفتر امام پرسید. دفتر گفت، نباید چنین کاری شود، بعد شروع کردند به تندروی‌های خود که پس از انتخابات

دهم ریاست‌جمهوری نیز شاهد آن بودیم و اسامی ۹۹ نفر را – طبق فکر و ذهن خودش‌ان – در اعلامیه‌ای چاپ کردند و جالب است که در بین اسامی آن ۹۹ نفر که در اعلامیه آمده بود یکی آقای فارسی بود که اصلا آن روز در جلسه نبود، یکی آقای علیزاده باروق، نماینده اردبیل بود که آن روز مرخصی داشت یا چند نفری که حتی رای مثبت داده بودند!

اسام همه را خواستند و فرمودند، آتهایی که رای مخالف و منتع دادند به وظیفه شرعی خود عمل کردند، آتهایی که رای موافق دادند هم به وظیفه شرعی خود عمل کرده‌اند، احدی حق ندارد به نمایندگان مجلس سب‌سارت کند، اما در ادامه فرمودند، مجلس از دست‌گانهایی است که من آن را تأیید می‌کنم، معلوم شد که آن ۹۹ نفر هم به وظیفه خودش‌ان عمل کردند. ولی مگر آنها ساکت شدند؟! هر روز در گوشه‌ای اغتشاش می‌کردند؛ دقیقا مثل امروز، یک روز آقای اسدالله بیات که حالا می‌خواهد خودش را آیت‌الله‌الظمی(!) کند در نطق پیش از دستور مجلس حرف زد و بسیار تندی کرد. در جلسه بعد قبل از آنکه جلسه رسمی آغاز شود، آقای رفسنجانی (رئیس وقت مجلس) گفت، من دین‌ور خدمت امام بودم و ایشان را بسیار ناراحت دیدم. امام از این نوع موضع‌گیری‌ها عصبانی بودند و فرمودند به نمایندگان بگویید از این نوع حرف‌ها

<div><div>◆</div><div>در این دوره از انتخابات، دشمنان نظام جمهوری اسلامی از تمام تجربیات خود برای لطمه زدن به ایران استفاده کردند و این توطئه یک توطئه انگلیسی – آمریکایی بود. دشمنان در حال حاضر توان اغتشاش ندارند اما از این پس به دنبال کودتای مخملی هستند</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

زنند ولی اگر این نوع حرف‌ها را دوباره بشنوم در برابرشان موضع خواهم گرفت. چند روز بعد آقای عباس دوزدوزانی آمد و همین بحث‌ها را اما اندکی ملایم‌تر گفت. من در خاتمه مجلس به او نوشتیم، آقای دوزدوزانی! ما با هم سابقه رفاقت داریم، من باورم

نمی‌شود که شما رودروری امام قرار بگیرید، بنابراین عدم تمکین به رهنمودهای ولایت‌فقیه در این گروه سابقه دارد و معطوف به امروز نیست. اگر بخواهید باز هم مثال می‌زنم. در دوران جنگ، امام به موسوی فرمانی داده بودند که او صراحتا مقابل حضرت امام ایستاد و به جای اینکه به حرف امام بدهد، قهر کرد و استعفا داد و ۳ روز در خانه‌ای پنهان شد. مرحوم سیداحمدآقا هر روز تماس می‌گرفت و می‌گفت، موسوی کجاست؟ تا اینکه روز نسوم، صبح سیداحمدآقا زنگ زد و گفت، موسوی را پیدا کنید و بگویید ببیاد خدمت امام چون امام نامه‌ای نوشته و گفته‌اند اگر تا ظهر موسوی نیامد بدهیم اخبار بخواند و اگر این نامه پخش شود نه دنیا برای موسوی می‌ماند نه آخرت، خیلی نامه تند بود. ما به همه گفتیم تا اینکه موسوی ساعت ۱۱ صبح آمد و امام نامه را تغییر داد و آن نامه معروف را نوشت که چه جای قهر است، در حالی که مردم عزیزان خود را جلوی توپ و گلوله می‌فرستند چه جای استعفاست؟

■ **بنگه آقای خاتمی صحبت از رفراندوم در کشور می‌کند، نوعی همصدایی با جریان معاند نظام در خارج از کشور محسوب نمی‌شود؟**

پیروزی در انتخابات یک فتح‌الفتوح اسلامی و یک فتح‌المبین بود. مساله انتخابات در ایران یک امر طبیعی و عادی نیست زیرا نتایج آن برای بسیاری از کشورهای دنیا مهم است و در طول این ۳۰ سال هیچ وقت استکبار جهانی از ایجاد توطئه‌های گوناگون دریغ نکرده است.

آنها که می‌کوشند بگویند، اتفاقات انتخابات توهم توطئه است اینطور نیست بلکه در این دوره از انتخابات، دشمنان نظام جمهوری اسلامی از همه تجربیات خود برای لطمه زدن به ایران استفاده کردند و این توطئه یک توطئه انگلیسی – آمریکایی بود. دشمنان در حال حاضر توان اغتشاش ندارند اما از این پس به دنبال کودتای مخملی هستند؛ به دنبال جنگ روانی، شایعه‌پراکنی و شکستن حرمت‌ها و حریم‌ها هستند. باید حرمت همه شخصیت‌های نظام حفظ شود. عده‌ای درصد شیطنت هستند، باید مراقب این شیطنت‌ها بود.

■ **اظهارات آقای رفسنجانی در نماز جمعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا با فرمایشات رهبر حکیم انقلاب همخوانی داشت؟**
در اینکه فرمایشات آقا باید فصل‌الخطاب همگان باشد شکی نیست. رهبر انقلاب در نماز جمعه‌ای که بعد از انتخابات حضور

<div><div>◆</div><div>سیداحمدآقا هر روز تماس می‌گرفت و می‌گفت، موسوی کجاست؟ تا اینکه روز سوم، صبح سیداحمدآقا زنگ زد و گفت، موسوی را پیدا کنید و بگویید باید خدمت امام چون امام نامه‌ای نوشته و گفته‌اند اگر تا ظهر موسوی نیامد بدهیم اخبار بخواند و اگر این نامه پخش شود نه دنیا برای موسوی می‌ماند نه آخرت، خیلی نامه تند بود. ما به همه گفتیم تا اینکه موسوی ساعت ۱۱ صبح آمد و امام نامه را تغییر داد و آن نامه معروف را نوشت که چه جای قهر است، در حالی که مردم عزیزان خود را جلوی توپ و گلوله می‌فرستند چه جای استعفاست؟</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

پیدا کردند همه مسؤولان را به وحدت عمل و تقوا توصیه کردند بنابراین اگر حرفی مغایر این فرموده زده شود، خلاف نظر ولی‌فقیه تلقی می‌شود.

پس از نماز جمعه‌ای که آقای هاشمی رفسنجانی امامت آن را برعهده داشت، نوعی انشقاق بیشتر در میان مسؤولان پدید آمد که صورت خوشی نداشت و اصلا در جامعه، فضای سیاسی ملتهدی دوباره حکمفرما شد.

■ **شما در جلسه خصوصی‌ای که با رفسنجانی داشتید قبل از نماز جمعه چه مطالبی را مطرح کردید؟**

خب! همان‌طور که شما گفتید جلسه خصوصی بود و نمی‌توانم درباره آن چیزی بگویم، ولی اجمالا با تبادل نظراتی که صورت گرفت، انتظار حرکات مثبتی از جانب ایشان می‌رفت.

من مطلب دیگری را هم بایدید اینجا عنوان کنم و اینکه امام

می‌فرمایند، ملاک، حال فعلی افراد است، این جمله دقیقی است و طبق مبانی ما نیز هست. حر بن یزید ریاحی تا چند ساعت قبل از واقعه عاشورا فرمانده یزید بود و از ورود امام به کوفه جلوگیری کرد و جزو اصحاب‌النار بود ولی یکم‌رتبه بازگشت و جزو اصحاب‌الجنه شد. الان به حر می‌گوییم بایی انت و امی، پدر و مادرم به فدایت باد چرا که وی جزو اصحاب اابعبدالله (ع) شد. اگر کسی چنین تغییری یافت و حر شد، خیلی خوب است اما اگر کسی چنین نشده و برای ما نیز تغییرش محرز نشده، پس باید احتیاط کنیم بویژه در سپردن سرپل‌های اجتماع، ما می‌خواهیم بار امانت الهی را به دست یک شخص بسپاریم، طرف می‌خواهد رئیس‌جمهور شود، می‌خواهد اختیاردار شود، حق امضا پیدا می‌کند، کلی پول بیت‌المال جابه‌جا می‌شود، افراد را به مسؤولیت می‌گمارد و از مسؤولیت برمی‌دارد، لذا چنین فردی هم باید به مبانی و ضوابط معتقد باشد و هم متعهد، نه اینکه لالابالی و بی‌اعتنا باشد. حالا ما اگر خواستیم چنین شخصی را بشناسیم، سوابقش را بررسی می‌کنیم، سوابق افراد با هم فرق می‌کند، یک وقت می‌بینید کسی در قبل از انقلاب در سازمان مجاهدین خلق فعالیت می‌کرد ولی بعد برگشته و علیه آنها کار کرده، شهید رجایی عضو سازمان مجاهدین خلق بود و مشاور سیاسی‌شان بود ولی از همان زندان بازگشت و جبران کرد و این جزو نقاط قوت ایشان بود که اخلاص رفت و با قدرت بیرون آمد اما برخی در جاهی که می‌افتند غرق می‌شوند و امیدی به نجاششان نیست، بنابراین شرایط افراد متفاوت است، مثلا اگر خانواده و نزدیکان فردی سابقه نفاق دارند، ضرورتی ندارد سرنوشت مسافران یک هواپیما را به خطر بیندازد و همین احتمال که ممکن است طرف تحت تاثیر قرار بگیرد برای ما کفایت می‌کند که وی را خلبان نکنیم، حتی میهماندار هواپیما نیز نمی‌کنیم، نه‌تنها ما بلکه هیچ‌کس در دنیا چنین کاری نمی‌کند.

<div><div>◆</div><div>عدم تمکین به رهنمودهای ولایت‌فقیه در این گروه سابقه دارد و معطوف به امروز نیست. اگر بخواهید باز هم مثال می‌زنم. در دوران جنگ، امام به موسوی فرمانی داده بودند که او صراحتا مقابل حضرت امام(ره) ایستاد و به جای اینکه به حرف امام گوش بدهد، قهر کرد و استعفا داد و ۳ روز در خانه‌ای پنهان شد</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

<div><div>◆</div><div>هیچ عاقلی، مسؤولیت جان مسافران را به چنین کسی واگذار نمی‌کند چرا که نمی‌توان به صورت صددرصد به وی اعتماد کرد. درباره مسائل سری و امنیتی، این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. وقتی کسی می‌خواهد اسلحه‌ای داشته باشد باید اول مجوز بگیرد</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

هیچ عاقلی، مسؤولیت جان مسافران را به چنین کسی واگذار نمی‌کند چرا که نمی‌توان به صورت صددرصد به وی اعتماد کرد. درباره مسائل سری و امنیتی، این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد. وقتی کسی می‌خواهد اسلحه‌ای داشته باشد باید اول مجوز بگیرد



که اگر این اسلحه را به دست یک انسان عصبانی بپسارند، مردم را به کشتن می‌دهد. لذا در مسؤولیت‌های بزرگ اجتماعی نمی‌توان به کسانی که دارای سوابق نامطلوب هستند رأی داد ولو اینکه حالشان نیز تغییر کرده باشد، مگر اینکه به صورت قطع و یقین اطمینان حاصل شود که طرف موجود دیگری شده است. اگر فردی، مواردی را که بنده برشمرد کنار هم در یک جدول بچیند هم رای می‌دهد و هم متوجه می‌شود که باید چه کسی را انتخاب کند. رای ما باعث کنار رفتن دشمنان اسلام و انقلاب و استحکام نظام جمهوری اسلامی می‌شود چرا که شرایط نظام جهانی در حال تغییر است و یکی از طرفین اصلی آن نیز نظام جمهوری اسلامی است. این انتخابات به همه آزادخواهان و استقلال‌طلبان

<div><div>◆</div><div>اینکه امام می‌فرمایند ملاک، حال فعلی افراد است، این جمله دقیقی است و طبق مبانی ما نیز هست. حر بن یزید ریاحی تا چند ساعت قبل از واقعه عاشورا فرمانده یزید بود و از ورود امام به کوفه جلوگیری کرد و جزو اصحاب‌النار بود ولی یکم‌رتبه بازگشت و جزو اصحاب‌الجنه شد. الان به حر می‌گوییم بایی انت و امی، پدر و مادرم به فدایت باد چرا که وی جزو اصحاب اابعبدالله (ع) شد. اگر کسی چنین تغییری یافت و حر شد، خیلی خوب است اما اگر چنین چنین نشده و برای ما نیز تغییرش محرز نشده، پس باید احتیاط کنیم بویژه در سپردن سرپل‌های اجتماع</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

دنیا، امیدواری بخشید در حالی که اگر برخی از کاندیداها انتخاب می‌شدند، اسرائیل و آمریکا جشن می‌گرفتند و این خودش یک موضوع مهم است؛ این خودش یک موضوع مهم است که دوستان خدا را شاد کنیم یا دشمنانش را.

اسام(ره) می‌فرمایند مردم را به این سمت متوجه کنید که اسلام را حفظ و کسانی را انتخاب کنند که گرایش به اسلام داشته باشند، متعهد. به اسلام باشند، بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند. بازیگری یعنی اینکه طرف برای رای آوردن بازیگری کند و از امام و رهبری مایه بگذارد؛ از امام که حرف می‌زند به خاطر رای است. حالا اگر جایی دید که دیگر نمی‌تواند از امام سخن بگوید، مثلا در جمع نهضت آزادی، می‌گوید انسان باید استقلال رای داشته باشد؛ هرچند امام هم موجود باشد. برای چنین کسی امام مطرح نیست. امام برای او ابزار رای آوردن است. اسلام ابزار رای آوردن است. شعار حمایت از محرمان و مستضعفان برایش ابزار رای آوردن است.

در روایات آمده‌است، ائمه معصومین علیهم‌السلام، افراد پیرامون خود را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: دسته اول کسانی هستند که از خودش‌ان چیزی ندارند ولی موقعیتشان ایجاب می‌کند که با ما باشند و ما ابزار زینت آنها شده‌ایم. دسته دوم کسانی هستند که ما را به عنوان دکان درآمد خود می‌خواهند و سومین دسته هم کسانی هستند که از ما با ما هستند. اینجا انسان می‌پرسد، آیا فلان کس که با امام بوده، آیا واقعا همراه ایشان بوده و واقعا تبعیت از امام داشته؟ مثل رجایی مقلد امام بوده؟ پس این مشخص است. امام در وصیتنامه خود فرموده‌اند، چون من در بعضی از مقاطع از برخی افراد حمایت کرده‌ام ولی ملاک حال فعلی افراد است. امام از منتظری در مقام جانشینی خودش‌ان حمایت کردند ولی بعد هم عزتش کردند. امام از بنی‌صدر در مقام ریاست‌جمهوری حمایت کردند و حتی به آقای بهشتی فرمودند، دولتمردان با هم اختلاف نداشته باشند، ولی آیا واقعا امام بنی‌صدر را نمی‌شناخت؟ مصلحت کشور ایجاب می‌کرد که امام از بنی‌صدر حمایت کند بنابراین دو نکته درباره تأییدات افراد توسط رهبری نهفته است؛ یکی اینکه رهبری بنا بر صلاحیت، افراد را تأیید می‌کنند یا بنا بر مصلحت. تأیید امام بر شهید بهشتی بنا بر صلاحیت است و تأیید امام بر بنی‌صدر از روی مصلحت است. مسأله دوم هم این است که این تأییدات رهبری در برهه‌های زمانی خاص صورت می‌گیرد و لذا باید در همان زمان خودش نیز سنجیده شود. در مجموع، تشخیص صداقت افراد در ایران چندان سخت نیست؛ اینکه چه

کسانی اهل بازی و بازیگری هستند و چه کسانی خالصانه عمل می‌کنند و ولایت‌پذیر هستند. اینها روشن است و خیلی سخت نیست. امام(ره) در صحیفه خودش‌ان (جلد ۱۸، صفحه ۳۱۰) یک بحث بسیار جالب دارند و می‌فرمایند: مسؤولان مواظب باشند که همینجا محل امتحان آنهاست که آیا اینهایی که دارند فعالیت می‌کنند و می‌خواهند کشور خودش‌ان را نجات بدهند و از آن دفاع کنند، آیا اینها با هم هماهنگ هستند و آیا برای خدا کار می‌کنند یا برای خودش‌ان؟

اگر مردم دیدند گروهی قصد دارند خودش‌ان قدرت داشته باشند، بدانند عمل آن گروه شیطانی است و اگر دیدند دارند برای خدا کار می‌کنند، آن را به دست آورند. اینجا محل تشخیص است.

اسام می‌خواهند بگویند، برخی افراد دنبال قدرت هستند و خدا، پیغمبر (ص) و امام معصوم (ع) را برای رسیدن به قدرت می‌خواهند؛ به هر کسی هم که می‌رسند وعده می‌دهند و با هر کس هم می‌سازند و سازش هم می‌کنند؛ حضرت امام می‌فرمایند، مردم مراقب چنین کسانی باشند. ببینند چه کسی برای خدا کار می‌کند و چه کسی برای گرفتن قدرت.

■ **اتفاقات اخیر مثل اصرار دکتر احمدی‌نژاد بر استفاده از آقای رحیم‌مشایی گفته می‌شود اصولگرایان هنگام دادن رأی اعتماد به وزرا، چرخش مخصوصی نسبت به رئیس‌جمهوری خواهند داشت. ما به وزرای که به اسلام ققاهتی و حوزوی خط امام و رهبری معتقدند – یعنی اسلامی که تاجر، سلیقه و روشنفکری در آن راه ندارد و اسلام خالصی است؛ اسلامی که ایران را به این عظمت رسانده – رای می‌دهیم. باید به کسی که تفکر خالص اسلامی دارد، رای داد. شخصی که می‌خواهد مسؤول شود، باید خانواده سالمی داشته باشد؛ کسی که نمی‌تواند حتی خانواده خودش را به درستی اداره کند، نمی‌تواند کشور را به درستی اداره کند.**

کسی که ولایت‌پذیر است و تفکر ولایی دارد، کسی که تفکر ارزش‌مداری اسلامی دارد، کسی که شجاعت دارد و خجالت نمی‌کشد از اینکه ارزش‌های اسلامی را مطرح کند، مطلوب ماست و این ویژگی‌ها نقاط مثبت وی به شمار می‌رود. حال اگر ما چند

<div><div>◆</div><div>در اینکه فرمایشات آقا باید فصل‌الخطاب همگان باشد شکی نیست. رهبر انقلاب در نماز جمعه‌ای که بعد از انتخابات حضور پیدا کردند تمام مسؤولان را به وحدت عمل و تقوا توصیه کردند بنابراین امام(ره) مایل است نظر رئیس‌جمهور فرموده زده شود، خلاف نظر ولی‌فقیه تلقی می‌شود. بعد از نماز جمعه‌ای که آقای هاشمی رفسنجانی امامت آن را برعهده داشت، نوعی انشقاق بیشتر در میان مسؤولان پدید آمد که صورت خوشی نداشت و اصلا در جامعه، فضای سیاسی ملتهدی دوباره حکمفرما شد</div></div>
<div><div>◆</div><div></div></div>

نفر حائز این شرایط را داشتیم، این موضوع پیش می‌آید که چگونه به یک انتخاب برسیم؟ پاسخ روشن است: باید به فرد اصلح رای داد یا باید به ارجح برسیم. انتخاب یعنی اینکه ما از بین آنها کسی را که رجحان بیشتری دارد انتخاب کنیم. امام در بحث ولایت فقیه فرمودند، فقیه بودن کافی است و شخص نباید حتما مرجع باشد، چرا که در این صورت به بن‌بست می‌رسیم. ممکن است کسی نسبت به فرد دیگری اقله باشد ولی نتواند کشور را اداره کند ولی یک وقت فقهی داریم که نسبت به دیگران اعم و اقله نیست اما می‌توان اداره امنیت کشور را به دست او سپرد و بار امانت الهی را بر دوش او گذاشت؛ به چنین فردی ارجح می‌گویند. لذا مقوله رجحان خود یک بحث مهمی است.

در شرایط امروز برای کابینه دهم، ما باید به کسی رای بدهیم که ارجح است؛ کسی که بهتر می‌تواند از عهده اداره امور کشور و حوزه مسؤولیتش برآید. حال اگر این فرد ارجح، اصلح نیز باشد، خیلی بهتر است، لذا اگر فرد اصلح برای وزارت معرفی نشد، به ارجح رای اعتماد می‌دهیم. رجحان گاهی شرعی، گاهی عرضی و گاهی عقلی است. رجحان شرعی آن است که ما طبق موازین شرعی به آن برسیم؛ کسی که به مبانی فقهی اسلام آشنایی بیشتری دارد. رجحان عقلی یعنی اینکه عقل فرد بیشتر از دیگران باشد. رجحان عرضی نیز این است که اگر شخص صالح رای‌آور داشتیم به او رای بدهیم هرچند اصلح نیز موجود باشد ولی رای نداشت باشد. اگر فرد اصلح رای نیاورد به جای او یک فرد ناصالح رای می‌آورد و بر جایش می‌نشینند. ما صالح رای‌آور را مرجح بر اصلح رای‌ناور می‌دانیم.

کاندیداهای وزارت را که رئیس‌جمهوری معرفی می‌کند از نظر قانونی، صلاحیت دارند ولی ما باید ببینیم که آیا فرد، صلاحیت واقعی و اصلی نیز دارد یا خیر. ما در ادوار مختلف دادن رأی اعتماد، شاهد کسانی بوده‌ایم که از طرف رئیس‌جمهوری وقت، صالح تشخیص داده شده‌اند ولی از لحاظ شرعی نمی‌توانستیم به آنها رای بدهیم. ما از معرفی و تأیید صلاحیت از سوی رئیس‌جمهور، دلیل بر اصلح و ارجح بودن است؟ پس رئیس‌جمهوری تنها افرادی را معرفی می‌کند که دارای صلاحیت قانونی هستند و لذا تأیید آنها از سوی رئیس‌جمهور، بدین‌معنی نیست که معرفی‌شدگان همه صلاحیت‌های گوناگون را دارا هستند. ما از بابت برخی ملاک‌ها و معیارها نمی‌توانیم به هر کسی که احمدی‌نژاد معرفی کند رای اعتماد بدهیم. ما در انتخاب خودمان باید به آن شرایط سلبی و این شرایط ایجابی توجه کنیم.

حالا ممکن است این سؤال پیش بیاید که اگر هیچ کدام از کاندیداهای وزارت را دارای حداقل ضوابط صلاحیت ندانستیم، چه باید بکنیم؟ وظیفه ما این است که از بین معرفی‌شدگان به اصلح رای بدهیم و اگر نایبتمیز و از فرد نایبتمیز برای وزارت، فردی صالح‌تر وجود داشت به او رای بدهیم. البته می‌توانیم به ارجح هم رای بدهیم، اگر به این نتیجه رسیدیم که فرد معرفی شده اصلا صالح نیست، رای نمی‌دهیم.

■ **درباره مشایب چیزی نگفتید.**

درباره این موضوع آقای احمدی‌نژاد نباید نامه رهبر معظم انقلاب را شش روز بی‌پاسخ می‌گذاشت. این به نمایندگان مجلس هم بسیار برخورد که امیدوارم بسا اثبات ولایت‌پذیری از رهبر انقلاب، آن را جبران کنند چون انتظار حزب‌اللهی‌ها از رئیس‌جمهور برگزیده، لجبازی نیست.